

۱۶، ۵، ۱۹
رنت



به نام خدایی که جان آفرید

سخن گفتن اندر زبان آفرید

خداوند بخشنده‌ی دست گیر

کریم خطابش پوزش پذیر

۱۱ / ۶ / ۱۳۸۸

۱۲۵۷۳۴



دانشگاه مازندران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

**مطالعه علل تغییر گفتمان
بخشی از دفتر تحکیم وحدت
از همراهی با نظام به تعارض با آن
(۱۳۷۶-۱۳۸۴)**

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

دانشجو: علی پوزش شیرازی

استاد راهنما:

دکتر حسین رفیع

استاد مشاور:

دکتر حسین جمالی

۱۳۸۸ / ۶ / ۱۱

اداره اسناد و کتابخانه ملی
تهران

مهرماه ۱۳۸۷

۱۲۵۷۳۴

«بسمه تعالی»

دانشگاه مازندران

معاونت آموزشی

تحصیلات تکمیلی

«ارزشیابی پایان نامه در جلسه دفاعیه»

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

شماره دانشجویی: ۸۴۱۲۳۰۹۰۲

نام و نام خانوادگی: آقای علی پوزش شیوازی

سال تحصیلی: ۸۶-۸۷

مقطع: کارشناسی ارشد

رشته تحصیلی: علوم سیاسی

عنوان پایان نامه:

«بررسی علل تغییر گفتمان بخشی از دفتر تحکیم وحدت از همراهی به تقاضا»

تاریخ دفاع: ۸۷/۶/۳۶

۱۸۹۰

نمره پایان نامه (به عدد):

۱۳۸۸ / ۶ / ۱۱

شماره ریزه

نمره پایان نامه (به حروف):

امتیاز: چهار

هیات داوران

استاد راهنما: دکتر حسین رابع

استاد مشاور: دکتر حسین جمالی

استاد داور: دکتر محمد سالار کسرای

استاد داور: دکتر علی کریمی

نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی: دکتر محمدتقی قزلنسلی

امضاء
امضاء
امضاء
امضاء

تقدیر و شکر

هواشاکر و المشکور. این بنده کسی نیست تا کسی را سپاس گوید. و اساساً «من علمنی حرفاً، تقدیرنی عبداً» را چگونه می توان سپاس گفت؟! جز اینکه عرق شرم از جبین برگیرم و دست دعا به سوی آسمان گیرم. «نفس می نیارم زدا ز شکر دوست، که شگری ندانم که در خورد اوست.»
با این وجود نکارش چند خطی در تقدیر و شکر، شرط ادب است و رسم بندگی.

پدر و مادر بزرگوارم، تاجی خوششان رفیق و بستگان شفیق را خالصانه سپاس می گویم و بردستان نازیشان بوسه می زنم؛ که محبت بی دریغشان خورشید گچاهم بود و دعای خیرشان بدرقی راهم. همواره جویای حالم بودند و دل نگران کارم.

در بر اساتید عزیزم بال تواضع می کشایم و دیده بر آستانشان می سایم: دکتر حسین رفیع که راه نایم بود، تحت در اخلاق و فروتنی، بزرگوارم، سخاوت و دل سوزی، و پس، در به سرانجام رساندن این رساله. انسان شیرینی که همیشه می توان به خیر او امیدوار بود. دکتر حسین جالی که مرا آموخت تا وسیع تر به زندگی بنگرم و سگیایی و مدارا را از یاد مبرم. پیشهاد موضوع پژوهش را ایشان داد و خود، هم مشاورم بود و هم مراقب؛ دقت نظر ایشان برایم بیم و امیدی توانان بود و انگیزه‌ی مضاعف تلاش، جدیت، بردباری و دقت. اساتید بزرگوارم، اعضای محترم هیئت علمی گروه علوم سیاسی: دکتر علی کریمی مله، دکتر محمد تقی قزقلی و دکتر مهدی رهبری، که همواره با روی گشاده و سعی صدر، توأم با مهربانی و لبخند، پذیرای شاگردان کوچکم چون صاحب این قلم بوده اند. دکتر کریمی نخستین کسی بود که مرا با بحث «گفتان» آشنا ساخت و همواره از محضر ایشان و دیگر اساتیدم بهره‌م برده‌ام. خدای بزرگ را مسلت دارم این بنده را بیچ گاه از برکات مانده‌ی وجودشان بی بهره نگذارد. بدون شک بی لطف وجود دکتر محمد سالار کسرائی، کسرای این پایان نامه ویرانامی پیش نمی بود. انسانی وارسته و استادی برجسته که پروردگار هم در عهد کارشناسی و هم در دوران نکارش رساله‌ی ارشد، به خلعت شاگردی اش مزین نمود و از قبل وجود عزیزش درس زندگی به این بنده آموخت. آموخت که ادب، دین داری، فروتنی، محبت، عشق و وزیدن به دیگران و کرامت نفس، درس‌هایی است که استادش از هر چیز و پیش از هر چیزی تواند به شاگرد خویش بیاموزد. هدایت‌های علمی و حمایت‌های معنوی ایشان در طول نکارش پایان نامه، فراتر از بیان قاصر بنده است. امید آن دارم که ایشان و خانواده‌ی بزرگوارشان تلذذهای گاه و بی‌گاه مرا بخشند.

الطاف و محبت‌های برادر عزیزم، مسئولان بزرگوار، کارکنان باصفا و دوستان خوبم راد کوی دانشگاه تهران، دانشگاه مازندران و دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، پژوهشکده‌ی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، دانشگاه امیرکبیر، کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دانشکده‌ی روابط بین الملل و کتابخانه‌ی وزارت امور خارجه، نهاد رهبری، انجمن اسلامی دانشجویان، وزارت علوم، و هم‌بندی‌هایی که مراب نوعی در به انجام رساندن این پژوهش یاری رسانند، متواضعانه ارج می نهم. عطر سپاس به رویشان می فشانم و بر آستان الهی به یادشان گل دعای نشانم.

«هو المعطى»

تقديم به :

پدرم ؛ مانده‌ی رزق حلال ؛

مادرم ؛ سگوه عشق و پاکی صداقت ؛

برادرم ؛ روح بالنده و امید آینده ؛

خواهرم ؛ خلوص مهر خواهری ؛

و

تقديم به

نعمت الهی و تجسم تقوا

حاج نعمت الله لقاء ؛

او که

هستی ام

از هستی اش

هستی گرفت .

هواالمحجوب

اجازه می‌خواهم در ابتدا چند خطی از دل بنویسم. می‌دانم که پایان نامه بولنگاه عقل است، نه خلوتگاه دل. و می‌دانم که «پای استدلالیان چوبین بود» و پای چوبین سخت بی‌تکلیف، اما امیدوارم که عقل، این چند سطر دل‌نویسه را از خود نراند و آن را بیکانه نخواند. اگر چه این دل‌نویسه توجیه عقلی هم دارد! بنابه سنت عقل در نظریه‌ی گفتار، به حرمتی باید در بستری که در آن پدید آمده نگریست. و در این پایان نامه عقل، با پای دل‌گام در راه نهاده است. که صد البته در غیر این صورت نمی‌توانست قدم از قدم بردارد. پس شنیدن و صحنی حر چند ناقص و اندک از دو خارهای خلیده به پای دل در این راه، بی‌مناسبت نخواهد بود.

شنیده بودم همیشه از سختی‌های تحقیق و دشواری‌های پژوهش. اما شنیدن کی بود مانند دیدن! از این کتابخانه به آن کتابخانه. از این دانشگاه به آن دانشگاه. از این سو به آن سو. آیا راست به‌بند، یا نده‌بند. شاید شنیدن گوشه‌ای از آن خالی از لطف نباشد:

- آقای محترم! فقط دانشجویان خودمان حق ورود دارند! - آخر چرا؟ اینجا که از بر خوردارترین دانشگاه‌های کشور است. کتابخانه‌اش تحدی می‌کند و رقیب می‌طلبد. اجازه دهید فقط در رایانه‌لیستی از کتاب‌های مرتبط با موضوع تحقیق ما بنویسم. - خیر نمی‌شود. - پس دست کم بگذارید از قسمت پایان نامه استفاده کنم. شنیده‌ام پایان نامه‌ای در این دانشگاه کار شده که با موضوع من مرتبط است. - اصلاً نمی‌شود داخل شوی. بحث هم نکن! - راستی! من کارت بین کتابخانه‌ای دارم. «طرح غدیر»! - اگر داری برو دانشگاهی که عضو باشی. ما عضو طرح غدیر نیستیم. - پس این کارت به چه دردی خورد؟ وقتی تعداد زیادی از مهم‌ترین دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها عضوش نباشند؟ بهتر بود اسمش را می‌گذاشتند طرح سیفیه، نه طرح غدیر! - به من ربطی ندارد آقای محترم! برو به مسئولان بگو... فردا دوباره می‌آیم. چه کنم؟ کسیر آن پایان نامه‌ام. حتماً باید ببینمش. دل شوره دارم. از صبح که راه افتاده‌ام زیر لب خدا خدایم کنم. به در ورودی دانشگاه می‌رسم. با خوف ورجا نگهبان‌های دم در را زیر نظر دارم. بعضی‌ها نشان سخت می‌گیرند. اگر بفهمند دانشجوی این دانشگاه نیستم، ممکن است راهم ندهند. اما آنقدر خون سرد و مصمم وارد می‌شوم که انگار تلک دانشگاه ارث پدرم است. - تحتل نگهبان‌ها با خود گفته‌اند نکلند این یک آدم مهمی بود و ما سلاش نکردیم... البته اشکالی ندارد، من به دل

نکر فتم!!

یک راست به سمت کتابخانه می‌روم. دم در که می‌رسم، «و جملنا» می‌خوانم و وارد می‌شوم. آه! به خیرگذشت! خدا را شکر. با یکی از دوستان قرار گذاشته‌ام. با هم به بخش پایان نامه‌های رویم. مقصدی، بخش، کارت مطالبه می‌کند. دو تم کارت را نشان می‌دهد. مقصدی نگاهی نه چندان دوستانه به من می‌کند و دستش را جلوی آورد: شما. من و من می‌کنم و می‌گویم: من همراه دو تم، هتم. بابی حوصله‌گی ربه دو تم می‌گوید: ایشان از بخش برود بیرون تا پایان نامه را برای شما بیاورم. کفرم در می‌آید. اما برای او فرقی نمی‌کند که من کفرم در بیاید یا اسلام. با تلخی از کتابخانه بیرون می‌آیم. اوقاتم پخته‌تر از آن است که در دانشگاه بانم. از دو تم که بنده خدا شرم‌زنده هم شده است، شکر می‌کنم و راه می‌افتم به سمت خوابگاه.

فردایک راست به سمت کتابخانه شخصی دانشکده می‌روم. اینجا روابط دوستانه‌تری برقرار است و امید عل مشکل بیشتر یکی از دوستان پرتاب شده دانشکده را پیدا می‌کنم و با هم به کتابخانه می‌رویم. بالاخره «السابقون السابقون، اولئک المقربون»! اسم پایان نامه را به او می‌دهم. او با مقصدی صحبت می‌کند. مقصدی که آدم خوش رو و خوش برخوردی است، نگاهی به من می‌اندازد. قیاضی بچه‌های خیلی مثبت را به خودم می‌گیرم و سرم را به آرامی پایین می‌اندازم. کارت دانشجویی مرا می‌گیرد، به کارت دو تم ضمیمه می‌کند و پایان نامه را به دستم می‌دهد. خدا پدرش را بیامرزد. خوب اوقاتم را پخته‌گیری کرد! همین جور زیر لبی، هفت بدگذشته و هفت نسل آینده‌اش را دعای منم و خندان قبح‌باده به دست، به سمت میزهای مطالعه می‌روم. پایان نامه را در انداز می‌کنم. سه چهار صفحه‌اش حسابی به ددم می‌خورد. لب تپ را آتش می‌کنم و مشغول می‌شوم. هنوز دو سه خطی بیشتر تپ نکرده‌ام که سنگینی سایه‌ی یکی از کارمندان کتابخانه را بالای سرم حس می‌کنم. دلم هت می‌ریزد. یا حضرت عباس! خدا رحم کند. انکار آمده دزد بگیرد! بلند می‌پرسم: شما دارید چه کاری کنید؟ می‌خواهم بگویم دارم با قالی پاک می‌کنم، ولی جلوی خودم را می‌گیرم. آرام جواب می‌دهم: چند صفحه از این پایان نامه با موضوع پایان نامه‌ی من مرتبط است، دارم از رویش یادداشت بر می‌دارم. می‌گوید: اما شما دارید تپ می‌کنید! اینجا فقط اجازه دارید از کاغذ و خودکار استفاده کنید. آن هم فقط هفت - هشت صفحه برای هر پایان نامه. گفتم: خوب بنده هم دارم همین کار را می‌کنم. همه‌ی مطالب و فیش برداری‌هایم توی همین لب تپ است. گفت: نه! شما دارید «تپ» می‌کنید! آن چنان گفت «تپ» که احساس کردم دارم سرقت مسلحانه انجام می‌دهم. گفتم: خانم محترم! خواه من! آخر

چه فرقی می‌کند؟! این همان است و آن همین! این هم کار کاغذ و قلم را می‌کند. چه علی‌خواه، چه حسن‌چکل! گفت: زنا نمی‌شود. کفتم: آخر چرا؟ قدری این پا و آن پا کرد و گفت: آخر سرعت تپ بالاتر است و شما مطالب بیشتری از پیمان نامه برداشت می‌کنید! دیگر داشتم حسابی قات می‌زدم. سرم را میان دستانم گرفتم. یادم افتاد به قرون وسطای اروپا. سفیران اروپای قرون وسطی برای انجام کاری به سرزمین مسلمانان آمده بودند. خلیفه‌ی وقت مسلمین به آنها یک ساعت مهیه کرده بود. وقتی ساعت را برای پادشاه خود برده بودند، گفته بود سریع بزنید این را بشکنید که این جنبش و حرکت، نشان آن است که اجده در آن حلول کرده اند!

درد دل بسیار است و مجال اندک. جان کلام اینک اگر کسی خواهد واقعا کار پژوهشی و تحقیقی بکند، اجداد بزرگوار خود را در برابر دیدگان بی‌فروغ گذشته‌اش خواهد دید. اگر به سرم نیامده بود، نمی‌گفتم. لازمی تحقق ایده‌های خوبی چون پژوهش محور شدن آموزش و جنبش نرم افزاری و تولید علم، اقدام جدی برای رفع این مشکلات است. با این محدودیت‌ها، قوانین دست‌وپاکیر، ناهماهنگی‌ها، عدم تعادل بین دانشگاهی و... آنچه که به جایی نرسد تحقیق است....

حتی دسترسی به آرشیو بسیاری از روزنامه‌ها هم به سادگی ممکن نیست. می‌گویند: روزنامه‌ها صحافی شده‌اند. سنگین‌اند. روزی دو تایش را نمی‌توانیم بیشتر برایت بیاوریم. برو فردا یا. اما برای پیدا کردن تنها یک مطلب در یک روزنامه، چند روز باید رفت و آمده و واهی به حال زمانی که نیاز به چندین مطلب آنهم در روزنامه‌های متعدد داشته باشی. دیگر وامصیبت. تازه خیلی از موارد اجازه‌ی کپی گرفتن هم نمی‌دهند. می‌گویند: نشین از روی روزنامه بنویس! اما اگر چقدر می‌توان نوشت؟ مگر یک مطلب و دو مطلب است؟ این همه روزنامه! این همه مطلب! یک بار کفتم: اجازه دهید با کوشی همراه عکس بگیرم از صفحات روزنامه، گفتند: باید بروید با ریاست هاسک کنید! کفتم: پس فایل روزنامه‌ها را بید تا مطالبم را در سی‌دی جست‌وجو کنم. گفتند: نذاریم. از همه جا که ناامید شدم، رفتم کتابخانه‌ی ملی. اما آنجا هم همان‌آش بود و همان کاسه....

بگذریم. آنچه نوشتم فقط کسانسی از یک سریال بود. باقی‌اش ماند. تو خود بخوان حدیث خیلی مفصل از این محل!

* * * *

وقتی که در محال است
قلدی خیال من
و پچک دستم تر و تر از آنکه یار ایشان باشد
از قلدی محال گل چیدن
پس همان بهتر که قناعت کنم
به بوتی خاری
که به غربت نشسته است
میان گلدان سینمام
چه کسی می داند؟
شاید آن قلد همین گلدان است
و آن گل محال
همین بوتی خوار!
یک آسمان خیال
بدبید ابرویا
در آغوش باد
اگر باد با خودش برد ابرفشک رویا ما را
خیالی نیست
مستاب دلم نمی گیرد
قطره‌ی اسلم نمی میرد

تا اشک هست

زندگی باید کرد

زندگی

در حسرت قدی محال!

خدا چگونه؟

او هم چون سراب

چون ابر

چون گل خیال

نشسته است در قدی محال؟

شمع

شعله

شعور

حرکت

امید

نور

زندگی

پل

عبور

خدا که هست!

در تمامی جوامع دانشجویان از جمله مهم‌ترین سوژه‌های سیاسی اجتماعی‌اند. در ایران نیز نقش این قشر فعال اجتماعی همواره مهم و اساسی بوده است. قدیمی‌ترین و فراگیرترین شکل دانشجویی پس از هژمونی گفتمان انقلاب اسلامی در ایران، انجمن‌های اسلامی دانشجویان بوده‌اند. اعضای این انجمن‌ها - معروف به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره) - در تابستان ۱۳۵۸ گردهم آمدند و اتحادیه‌ای مرکزی را با عنوان «دفتر تحکیم وحدت» با هدف تلاش در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی پایه‌گذاری کردند. از آن زمان به بعد، دفتر تحکیم وحدت همواره یکی از سوژه‌های تاثیرگذار در گفتمان انقلاب اسلامی بوده است. این تاثیرگذاری در هر برهه از تاریخ انقلاب اسلامی خود را به گونه‌ای نشان داده است. در سال‌های اولیه هژمونی گفتمان انقلاب، دفتر تحکیم در ساختار این گفتمان حل شد و تمامی تلاش خود را در استقرار هرچه بیشتر آن به کار بست. در نیمه نخست دهه شصت، پیوند خویش با گفتمان چپ سستی را تحکیم و خود را ذیل آن تعریف نمود. با ورود به دهه هفتاد و تغییر رویکرد گفتمان چپ، به طور هم‌زمان گفتمان حاکم بر دفتر تحکیم وحدت نیز دستخوش دگرگونی گردید. آنچه که در فرضیه پژوهش تحت عنوان «همراهی و همدلی با آراء جریان روشن فکری دینی و اندیشه‌های دکتر عبدالکریم سروش» از آن یاد شده است، اشاره به علت این تغییر گفتمان دارد. در آستانه انتخابات دوم خرداد ۷۶، دفتر تحکیم وحدت تحقق آرمان‌های خود را تنها در گرو استیلای گفتمان اصلاح‌طلبانه حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی دید. و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد. با گذشت زمان، اندک اندک بخش اعظم انجمن‌های اسلامی (موسوم به طیف علامه) از گفتمان اصلاح‌طلبانه آقای خاتمی فاصله گرفتند. این، زمینه‌ای برای گام نهادن دفتر تحکیم وحدت به دومین مرحله از تغییرات گفتمانی خود شد. این تغییر، چیزی نبود جز غیریت‌سازی با نظام جمهوری اسلامی. عبارت «عدم توفیق نهایی گفتمان اصلاحات» در فرضیه پژوهش، علت اصلی این تغییر عنوان گردیده است. بدین ترتیب دفتر تحکیم وحدت طی روند تغییرات گفتمانی خود، از همراهی با گفتمان جمهوری اسلامی به تعارض با آن رسید. این، دغدغه اصلی نگارش مجموعه حاضر بوده است.

پژوهش حاضر می‌کوشد در چارچوب «نظریه گفتمان لاکلا و موفه» و با بکارگیری روش گفتمانی، ریشه‌های اصلی این تغییر گفتمان را به عنوان یک «متن» (text) در بستر شرایط درون‌گفتمانی و برون‌گفتمانی پیدایش آن به عنوان «زمینه» (context) تحلیل نماید. از آنجا که در باب نظریه گفتمان لاکلا و موفه کتاب یا مقاله منسجم، کاربردی و جامع در زبان فارسی وجود ندارد، در فصل چارچوب نظری این پژوهش تلاش شده است در حد بضاعت، این نقیصه مرتفع گردد.

فهرست مطالب

۱.....	فصل اول: کلیات
۲.....	طرح مساله
۶.....	سوال اصلی
۶.....	فرضیه پژوهش
۷.....	حدود پژوهش
۷.....	اهداف پژوهش
۷.....	اهمیت و ضرورت
۹.....	چارچوب نظری
۱۱.....	فصل دوم: ادبیات پژوهش
۱۲.....	بخش اول: ادبیات تجربی پژوهش
۲۱.....	اهمیت ادبیات تجربی
	بخش دوم: ادبیات نظری پژوهش
۲۲.....	درآمد
۲۶.....	میشل فوکو
۲۹.....	میشل پشو
۳۱.....	نورمن فرکلاف
۳۴.....	اهمیت ادبیات نظری
۳۵.....	فصل سوم: چارچوب نظری و روش
	بخش اول: «گفتمان» در قامت نظریه

۳۶	درآمد
۳۸	نظریه گفتمان لاکلا و موفه
۳۹	مفاهیم و مولفه‌های نظریه گفتمان لاکلا و موفه
۴۰	۱- مفصل‌بندی
۴۰	هویت‌یابی
۴۲	۲- دال و مدلول
۴۲	دال مرکزی
۴۳	دال شناور
۴۳	اختیاری بودن رابطه دال و مدلول
۴۵	عنصر، وقته، حوزه گفتمان‌نگونی
۴۷	۳- بی‌قراری
۴۸	۴- ضدیت، غیریت
۵۰	برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی
۵۰	منطق تفاوت، منطق هم‌ارزی
۵۱	رقابت
۵۳	۵- هژمونی و تثبیت معنا
۵۴	انسداد یا توقف
۵۵	ساختارشکنی
۵۷	۶- قدرت
۵۹	۷- اسطوره، تصور اجتماعی، وجه استعاره
۶۲	دال خالی
۶۳	قابلیت دسترسی، قابلیت اعتبار
۶۵	۸- موقعیت سوژه‌ای و سوژگی سیاسی
۶۹	اهمیت نظریه لاکلا و موفه در تحلیل علمی پدیده‌های سیاسی اجتماعی
	بخش دوم: «گفتمان» در قامت روش
۷۱	درآمد
۷۳	اصول روش گفتمانی

۷۷.....	روش گردآوری داده‌ها
۷۸.....	مروری بر فصل‌های آتی
۸۰.....	مدل: تحول گفتمانی دولت در جمهوری اسلامی از سازندگی به اصلاح‌طلبی
۸۱.....	مدل: نقش اسطوره در شکل‌گیری گفتمان‌ها
۸۲.....	فصل چهارم: از گفتمان چپ ستی تا گفتمان اصلاحات
۸۳.....	درآمد
۸۵.....	بررسی سیر گفتمان چپ در دهه شصت و هفتاد
۸۶.....	الف. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
۹۰.....	ب. از جامعه روحانیت تا مجمع روحانیون
۹۳.....	۱- مواضع و رویکردهای نیروهای چپ موسوم به «خط امام» در دهه شصت
۱۰۰.....	۲- گفتمان چپ در دهه هفتاد و شکل‌گیری گفتمان اصلاحات
۱۰۹.....	(۱) گفتار متن و حاشیه در انتخابات دوم خرداد
۱۱۶.....	(۲) استیلای گفتمان اصلاحات بر گفتمان سازندگی
	(۳) غیریت‌سازی در جبهه اصلاحات:
۱۲۵.....	آشکار شدن نشانه‌های بی‌قراری در گفتمان اصلاح‌طلبی
۱۲۷.....	(۴) علل عدم توفیق نهایی گفتمان اصلاحات
	(۵) دلایل ناسازگاری و ناهمگونی دال‌های شناور گفتمان اصلاح‌طلبی
۱۳۷.....	الف) جامعه مدنی
۱۳۹.....	ب) دموکراسی
۱۴۱.....	ج) حقوق بشر
۱۴۲.....	د) قانون‌گذاری
	(۶) مروری کوتاه بر تلاش روشن‌فکران دینی
۱۴۳.....	برای تلفیق اسلام و دموکراسی
۱۵۰.....	مدل: گفتمان چپ در دهه شصت و تحول آن در دهه هفتاد
	فصل پنجم: سیر هویت‌یابی گفتمان دفتر تحکیم وحدت
۱۵۱.....	ذیل گفتمان انقلاب اسلامی

الف. مروری بر پیشینه جنبش دانشجویی در ایران

- ۱۵۲..... (۱) آموزش عالی در ایران
- ۱۵۳..... (۲) جنبش دانشجویی در ایران
- ۱۵۴..... مدل: موقعیت جنبش دانشجویی در هرم قدرت
- ب. دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه
- ۱۵۷..... ۱- شکل‌گیری
- ۱۵۹..... ۲- گفتمان دفتر تحکیم وحدت در دهه شصت
- ۱۶۱..... تصفیه درونی و یک‌دستی در تحکیم وحدت
- ۱۶۷..... ۳- گفتمان حاکم بر دفتر تحکیم وحدت در دهه هفتاد
- ۱۸۰..... ۴- دفتر تحکیم وحدت پس از دوم خرداد
- ۱۸۷..... واقعه هجده تیر
- ۵- تحلیلی گفتمانی بر دو دهه هویت‌یابی دفتر تحکیم وحدت
- ۱۸۹..... ذیل گفتمان انقلاب اسلامی
- ۱۹۷..... فصل ششم: از تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه تا لیبرال دموکراسی
- ۱۹۸..... درآمد
- ۱۹۹..... مرحله اول: همراهی با جریان روشن‌فکری دینی دکتر عبدالکریم سروش
- ۲۰۸..... مرحله دوم: دفتر تحکیم وحدت و ناکامی گفتمان اصلاحات
- شکل‌گیری ایده‌های عبور:
- پایانی بر همراهی بیست ساله دفتر تحکیم وحدت با گفتمان جمهوری اسلامی
- ۲۱۸..... الف) عبور از خاتمی
- ۲۲۳..... ب) خروج از حاکمیت
- ۲۲۴..... ج) رفراندوم
- ۲۲۶..... د) نافرمانی مدنی
- ۲۳۲..... نتیجه‌گیری
- ۲۳۶..... فهرست منابع
- ۲۵۰..... چکیده انگلیسی

فصل اول

کلیات

طرح مسئله:

جنبش‌های دانشجویی به عنوان یکی از جنبش‌های جدید اجتماعی، همواره از سوژه‌های فعال و اثرگذار در عرصه فعالیت‌ها و تحولات گفتمانی به شمار آمده‌اند. از منظر جامعه‌شناختی، جنبش دانشجویی بخشی از جامعه مدنی است. از آنجا که جامعه مدنی، مردم را به رأس حکومت (حوزه قدرت سیاسی) متصل می‌نماید، جنبش دانشجویی می‌تواند به هنگام بی‌قراری گفتمان مسلط، در مقام یک سوژه سیاسی در ساختارشکنی دال مرکزی و اسطوره‌سازی از دال‌های خالی، ایجاد فضای استعاری و تحقق عینیت اجتماعی جدید نقشی موثر ایفا نماید. از این‌روست که همواره جنبش‌های دانشجویی در انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی بزرگ در جوامع، نقشی بی‌بدیل داشته‌اند. چنانچه جنبش دانشجویی در ایران نیز، تمامی این کارویژه‌ها را در از میان بردن گفتمان پهلوی و هژمونیک کردن گفتمان امام خمینی (ره) ایفا نمود.

از سوی دیگر پس از استیلای گفتمان جدید، نقش جنبش‌های دانشجویی از سوژگی سیاسی به موقعیت سوژگی تنزل می‌یابد، در ساختار گفتمان مسلط حل می‌شود و در تثبیت هرچه بیشتر آن می‌کوشد. این شرایط تا زمانی برقرار خواهد بود که گفتمان مسلط همچنان به تولید معنا ادامه دهد و استیلای خود را بر ساحت سیاسی اجتماعی تداوم بخشد. اما چنانچه گفتمان موفق نگردد به آرمان‌ها و وعده‌های خود جامه عمل بپوشاند، زمینه‌های تزلزل آن فراهم خواهد آمد. با

پیدایش شرایط بی‌قراری گفتمان و آشکار شدن ناتوانی آن در تحقق آرمان‌ها، جنبش دانشجویی بدین باور خواهد رسید که نمی‌تواند هویت خویش را در چارچوب گفتمان مسلط تعریف کند. در چنین حالتی، جنبش از موقعیت سوژگی خارج شده، به سوژگی سیاسی بازخواهد گشت و در بی‌قراری هرچه بیشتر گفتمان حاکم خواهد کوشید. برای نمونه، دفتر تحکیم وحدت به عنوان بخش مهمی از جنبش دانشجویی ایران و موضوع اصلی این پژوهش، در روی کار آوردن گفتمان اصلاحات نقشی اساسی داشت و در سال‌های نخست استیلای گفتمان اصلاحات نیز، در موقعیت سوژگی این گفتمان و به مثابه یکی از ارکان اجتماعی آن ایفای نقش کرد. اما با گذشت زمان و به ویژه پس از واقعه هجده تیر، آرام آرام در برابر گفتمان اصلاح‌طلبی ایستاد و در بی‌قرار کردن و ساختارشکنی دال‌های آن کوشید که در نهایت به تعارض با نظام انجامید.

پس از هژمونی گفتمان انقلاب اسلامی در ایران، تمامی دانشجویان پیرو خط امام در «انجمن‌های اسلامی» گردهم آمدند. این انجمن‌ها با قدمتی چهل ساله^۱ و به محوریت دفتر تازه تأسیس تحکیم وحدت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یک سوژه سیاسی فعال، در موقعیت سوژگی گفتمان تازه تأسیس انقلاب اسلامی قرار گرفتند و امتداد بخش جنبش دانشجویی ایران شدند. بدین ترتیب «دفتر تحکیم وحدت» که در مردادماه ۱۳۵۸ به عنوان هسته مرکزی «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور» تأسیس شده بود، بر خرده‌گفتمان‌های این جنبش استیلاء یافت و دیگر گروه‌های دانشجویی را به حاشیه راند. در این زمان هویت دفتر تحکیم وحدت در چارچوب نظام معنایی گفتمان حاکم پس از ۲۲ بهمن ۵۷ متشکل از دال‌هایی همچون استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی تعریف می‌شد که حول محور دال مرکزی «امام خمینی (ره)» به عنوان رهبر انقلاب و ولی‌فقیه زمان مفصل‌بندی می‌گردید.

۱- انجمن اسلامی دانشجویان در سال ۱۳۲۱ در دانشکده فنی دانشگاه تهران تأسیس شد. رک: نوروز هاشم‌زهی. تحلیلی بر حرکت‌های دانشجویی در ایران. تهران: پژوهشکده فرهنگ و معارف، ۱۳۷۷، ص ۲۲

با شکل‌گیری انقلاب فرهنگی، دفتر تحکیم به عنوان یگانه تشکل دانشجویی فعال در دانشگاه‌ها، در موقعیت سوژگی گفتمان انقلاب اسلامی به طور کامل در خدمت اهداف نظام و تثبیت گفتمان نوپای انقلاب قرار گرفت. با گذشت زمان، اختلافاتی میان اعضاء تحکیم وحدت پدید آمد. این اختلافات، به اتخاذ برخی مواضع نسبت به مسایل جاری سیاسی مربوط می‌شد که از انتخابات مجلس دوم (۱۳۶۲) آغاز گردید و در نهایت پس از چند سال، به انشعاب انجامید.^۱ از آن پس تشکل‌های دیگری همچون «جامعه اسلامی دانشجویان» نیز به جریان جنبش دانشجویی وارد شدند؛ اما دفتر تحکیم بنا به دلایلی از جمله سابقه طولانی‌تر و به تبع آن گسترش دامنه نفوذ در اغلب دانشگاه‌های کشور، همچنان هژمونی خود را حفظ کرد.

با پایان جنگ هشت ساله و روی کار آمدن دولت جدید، گفتمان حاکم از گفتمان انقلابی به سازندگی تحول یافت.^۲ اندک اندک و با گذشت سال‌های نخست هژمونی گفتمان سازندگی، تحولاتی در انجمن‌های اسلامی پدید آمد که در ادامه، سرمنشأ تغییراتی عمیق شد. دفتر تحکیم که در ده سال نخست حاکمیت گفتمان انقلاب اسلامی با انحلال در ساختار گفتمان هژمون، همواره مشی همراهی با خرده‌گفتمان سیاسی حاکم (ذیل گفتمان انقلاب) را دنبال کرده بود، از آن پس صورتی انتقادی به خود گرفت. این وضعیت دفتر تحکیم را می‌توان از منظر گفتمانی، نسبت به گفتمان انقلاب اسلامی موقعیت سوژگی و نسبت به خرده‌گفتمان حاکم (سازندگی)، سوژگی سیاسی تعریف کرد. تحکیم در این دوران که با آغاز دهه هفتاد همراه بود، هویت خویش را حول محور دال‌های شناوری چون دموکراسی‌خواهی و توسعه سیاسی، در نقطه مقابل گفتمان سازندگی تعریف می‌نمود. بدین ترتیب دفتر تحکیم وحدت به عنوان وجه هژمونیک جنبش دانشجویی، برای نخستین بار در مقابل گفتمان مسلط جامعه قرار گرفت؛ گفتمانی که

۱- محمود کلاهیجان. تاثیر جنبش‌های دانشجویی بر اعتراضات جمعی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۱۰

۲- گفتمان‌های انقلابی (۶۸-۱۳۵۸)، سازندگی (۷۶-۶۸)، اصلاح‌طلبی (۸۴-۷۶) و عدالت‌خواهی (۴-۸۴) هر یک در واقع خرده‌گفتمان‌هایی هستند که ذیل گفتمان کلان انقلاب اسلامی موجودیت یافته‌اند. اما در این پژوهش به جهت رعایت اختصار، گفتمان نامیده خواهند شد.

دال‌های شناور خود را پیرامون دال مرکزی توسعه اقتصادی مفصل‌بندی می‌کرد. اما با این وجود گفتمان دفتر تحکیم، همچنان زیرمجموعه گفتمان انقلاب اسلامی و در چارچوب «همراهی با نظام» تعریف می‌شد.

با آشکار شدن نشانه‌های ضعف و بی‌قراری گفتمان سازندگی، سوژه‌های سیاسی رقیب به ویژه مجمع روحانیون مبارز از موقعیت سوژگی خارج شدند و به فعالیت پرداختند. این فعالیت در جهت ساختارشکنی گفتمان سازندگی و مفصل‌بندی یک گفتمان بدیل بود که بعدها نام اصلاحات به خود گرفت. این فعالیت‌ها در آستانه انتخابات دوم خرداد ۷۶ به اوج خود رسید و در نهایت، به استیلاي گفتمان اصلاحات بر ساحت سیاسی اجتماعی ایران انجامید. حضور و حمایت دفتر تحکیم وحدت در این پیروزی موثر و چشم‌گیر بود.

فضای استعاری گفتمان دوم خرداد تا سال‌های نخست پس از هژمونی همچنان منبع هویتی دفتر تحکیم به شمار می‌رفت. اما با گذشت زمان، آرمان‌ها و مطالبات بخش قابل توجهی از اعضای انجمن‌های اسلامی، پاسخ مورد انتظار را دریافت نکرد. بدین ترتیب، رفته رفته زمینه‌های غیریت‌سازی تحکیم با گفتمان اصلاحات فراهم شد. واقعه هجده تیر نیز نقشی اساسی در این روند داشت. پس از این واقعه بخش اعظم انجمن‌های اسلامی و هسته مرکزی آن (دفتر تحکیم وحدت) ثبات معنایی خویش را از دست دادند و هویت خویش را در گفتمانی فراتر از گفتمان انقلاب اسلامی - و خرده‌گفتمان‌های زیرمجموعه آن - جستجو نمودند. پیامد طبیعی این مسئله، غیریت‌سازی با گفتمان اصلاحات و در سطح کلان، با نظام جمهوری اسلامی بود. بدین ترتیب تشکلی که در بدو شکل‌گیری و حتی سال‌های متمادی پس از آن در زمره انقلابی‌ترین سوژه‌های سیاسی فعال در گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌رفت، با گذشت دو دهه از حیات خود دچار بی‌ثباتی معنایی گشت؛ به مثابه غیر، هویت خود را در ضدیت با گفتمان جمهوری اسلامی تعریف کرد و به ساختارشکنی دال‌های گفتمانی پرداخت که روزی خود نقشی موثر در